

معرفی (آیینۀ یوسفی) آخرین یوسف و زلیخا از فاخری فسایی و بررسی اثرپذیری آن از قرآن و تورات

محمدباقر دانش‌دار^۱، سید محسن ساجدی‌راد^{۲*} و سمیرا رستمی^۳

چکیده

این مقاله به بررسی «آیینۀ یوسفی» یا «مرآت‌المحبوب» می‌پردازد که منظومه‌ای پیرامون داستان یوسف و زلیخا، اثر طبع شیخ محمدجعفر فاخری فسایی (۱۳۴۹-۱۲۹۰ هـ.ش) است. در بررسی اولیه، داستان از زبان فاخری فسایی بیان، و اثرپذیری آن از روایت قرآن مقایسه می‌شود. در بررسی دوم، روایت فاخری با روایت تورات مقایسه می‌گردد. در پایان به کمک رسم جدول، نقاط مشترک محتوایی داستان اعم از اصلی و فرعی، همراه با جزئیات مشخص می‌گردد. دستاورد تحقیق نشانگر شباهت ۷۰ درصدی محتوایی منظومۀ فاخری فسایی با قرآن و شباهت ۴۵ درصدی محتوایی آن با تورات است. همچنین این منظومه، از نظر محتوایی، در ۴۰ مورد بررسی شده که با قرآن ۱۲/۵ درصد و با تورات ۵۵ درصد تفاوت دارد. برای رسیدن به این نتیجه از ۴۰ مورد بررسی شده از وقایع مطرح شده و حوادث کلی و جزئی داستان، درصدگیری به عمل آمده است. روش تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و فیش برداری و توصیفی-تحلیلی است.

کلید واژه‌ها: فاخری فسایی، آیینۀ یوسفی، قرآن و تورات، شباهت‌ها، تفاوت‌ها.

^۱ - دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

^۲ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران. (نویسنده مسئول)

Sajedirad1020@yahoo.com

^۳ - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد فسا، دانشگاه آزاد اسلامی، فسا، ایران.

مقدمه

اهمیت داستان سرگذشت یوسف از آنجا مشخص می‌گردد که در قرآن کریم تمامی سوره یوسف به داستان مذکور اختصاص یافته است. در تورات هم در یازده فصل از سفر تکوین (فصول ۳۷ تا ۴۷)، این داستان را به تفصیل مطرح کرده است. همچنین بسیاری از شعرا، در طول تاریخ به این داستان توجه داشته‌اند که از آن جمله می‌توان از فردوسی، جامی، مسعود قمی، آذر بیگدلی، شعله گلپایگانی، خاوری شیرازی و... نام برد. یکی از آخرین شعرایی که به این موضوع پرداخته، شیخ جعفر فاخری فسایی است که تاکنون کمتر شناخته شده است. هدف از این مقاله، شناساندن و معرفی منظومه فاخری و بررسی تاثیرپذیری آن از قرآن و تورات است. پرسش اول و دوم این تحقیق بعد از معرفی منظومه مذکور، میزان تفاوت‌ها و شباهت‌های آن ابتدا با قرآن و سپس با تورات است.

مبانی نظری پژوهش

ضرورت و اهمیت این تحقیق، از این جهت است که این منظومه، آخرین یوسف و زلیخای منظوم در قرن حاضر است.

ارزش اثر: این اثر دارای ویژگی‌ها و امتیازات خاص خود از جمله سادگی زبان، کاربرد اصطلاحات محلی، آوردن حکایت‌های اخلاقی، جنبه‌های تفسیری قوی، اشارات عرفانی، کاربرد زیاد کلمات عربی، کاربرد کلمات قدیمی مربوط به سبک خراسانی و... است که بدون شک، سبکی جدید را در منظومه‌های یوسف و زلیخا پدید آورده که در خور توجه است. نویسنده از آنجا که در کسوت روحانی و سخنران و منبری است، در جای جای منظومه خود، مانند یک واعظ، خواننده را نصیحت می‌کند. تعداد دوازده حکایت در لابلای منظومه او ذکر شده که باعث عدم خستگی و تنوع بیشتر آن است. اما علت توجه او به این داستان را می‌توان، در درجه اول، توجه او به مباحث اسلامی و قرآنی و در مرحله بعد علاقه‌اش به ادبیات فارسی و شعر و شاعری دانست. اما چرا شاعر هم به روایت قرآن و هم به روایت تورات توجه دارد؟ دلیلش این است که داستان قرآن در بسیاری از جاها کامل بیان نشده است، به این دلیل، فاخری و شعرای پیش از او به تورات هم

توجه کرده‌اند تا مطالب را کامل‌تر گفته باشند. علت دیگر، توجه او به آثار شعرای پیش از خود و پیروی از آنهاست که داستان‌شان دارای چارچوب مشخصی است که فاخری از آنها الگو پذیرفته است، و آنها هم از قرآن و تورات، هر دو، اثر پذیر بوده‌اند، من جمله شاعر در مقدمه خود بر این اثر، از شعرای پیشکسوت در این زمینه همچون فردوسی، جامی، آذریبگدلی نام برده و به نیکی و بزرگی از آنها یاد کرده است. (ر.ک. فاخری، ۱۳۶۴: ۹) از طرفی، فردوسی در منظومه یوسف و زلیخای خود به داستان تورات توجه ویژه‌ای داشته است، که بعضی مطالبش مورد توجه فاخری قرار گرفته است.

زندگی شاعر: شیخ محمدجعفر فاخری فسایی متولد ۱۲۹۰ هـ ش در شهرستان فسا از توابع استان فارس است که در خانواده‌ای مذهبی و روحانی زندگی کرده و دارای حدود بیست اثر مذهبی و ادبی است که بعضی از آنها در زمان حیات شاعر و بعضی بعد از وفات ایشان چاپ گردیده است. این شاعر با به جا گذاشتن آثاری در نظم و نثر، در سن ۵۹ سالگی در سال (۱۳۴۹ هـ ش) به دیدار دوست می‌شتابد (همان: ۳) منصور رستگار فسایی در مقدمه خویش بر کتاب «مرآت‌المحجوب یا آئینه یوسفی» می‌نویسد: «در سال‌های ۳۰ تا ۳۲ ما به مدرسه می‌رفتیم و از علاقه‌مندان او بودیم. در بعضی شب‌ها در مسجد به خطابه‌ها و مجالسش گوش می‌سپردیم. او زبانی بسیار رسا و بیانی شیوا و فصیح داشت». (همان: ۶) هشت کتاب از فاخری فسایی در زمان حیات او چاپ شده و بعد از مرگ او، کتاب «مرآت‌المحجوب» که منظومه یوسف و زلیخای فاخری است در سال ۱۳۶۴ برای اولین بار چاپ می‌شود. در سال ۱۳۹۵ هم پنج اثر چاپ نشده او، به همراه آثار قبلی، در یک مجموعه به نام «آئینه فاخری» چاپ می‌گردد. (ر.ک. تقوایی، ۱۳۹۵: ۱۴۹) فاخری همچنین نوحه‌های بسیاری در مدح سالار شهیدان و شهدای کربلا دارد که در شهرستان فسا و شهرستان‌های اطراف در ماه محرم در دسته‌های عزاداری سال‌هاست که خوانده می‌شود. شروع نظم «آئینه یوسفی» در رمضان ۱۳۵۸ هـ ق در ایام تحصیل شاعر در مدرسه منصوریه شیراز و پایان آن در ذی‌القعدة همان سال است، که فاخری در مدت سه ماه آن را به پایان برده است. در تاریخ نگارش این مقاله، هشتاد و سه سال از تاریخ سرودن این منظومه می‌گذرد. تعداد ابیات کتاب حدود ۳۰۰۰ بیت است. (ر.ک. فاخری، ۱۳۶۴: ۲۷۱) این منظومه در قالب مثنوی

و در بحر رمل مسدس محذوف یا مقصور: (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن یا فاعلات) سروده شده و از نظر ادبی، اثری با ارزش است.

پیشینه تحقیق

تاکنون منظومه مذکور از این نظر، مورد تحقیق هیچ یک از محققان قرار نگرفته است و این اولین تحقیق در این باره می‌باشد.

بحث و بررسی

۱- مقدمه داستان

۱-۱- توحیدیه: فاخری ابتدا داستان را با ذکر ستایش خداوند شروع می‌کند:

ای تو محبوب و تو محبوب آفرین	ای خدا ای صورت خوب آفرین
زان زده عشاق را آتش به دل	ای نگاران ساخته از آب و گل
بهر عذرا قلب وامق خون کنی	بهر لیلی قیس را مجنون کنی

(فاخری، ۱۳۶۴: ۱۷)

۱-۲- نعت و منقبت: فاخری بعد از حمد و ثنای الهی به ستایش پیامبر گرامی اسلام^(ص) می‌پردازد:

خواجۀ لولاک و عقل اولین	شمع جمع انبیاء و مرسلین
حضرت احمد محمد مصطفی (ص)	خاتم و سرحلقه اهل صفا

(همان: ۱۷)

۱-۳- اشاره به مذهب خود: آنگاه به مذهب جعفری خود اشاره و افتخار می‌نماید:

افتخار ما بس این ای فاخری است	کز مذاهب، مذهب ما جعفری است
-------------------------------	-----------------------------

(همان: ۱۹)

۱-۴- در ادامه، در ترغیب اصحاب قلوب به گوش دادن به این قصه می‌گوید:

قصه، نیکوتر از این نبود دگر	این خدا داده است در قرآن خیر
-----------------------------	------------------------------

(همان: ۱۹)

بهترین قصه است چون دارد به بر بس عجایب بس مواعظ بس عبر
(همان: ۲۰)

۲- روایت داستان از زبان فاخری و مقایسه با روایت قرآن:

در این قسمت از مقاله، منظومه فاخری را با آیات قرآن مطابقت می‌دهیم تا میزان تأثیرپذیری آن از قرآن مشخص شود.

۲-۱- شروع قصه با ذکر عشق و محبت زیاد یعقوب به یوسف است:

نزد یوسف روز و شب یعقوب بود بس که او را این پسر محبوب بود
(فاخری، ۱۳۶۴: ۲۱)

۲-۲- خواب یوسف: یوسف، یک شب خوابی می‌بیند و خوابش را برای پدر بازگو می‌کند:
من به خواب اندر بدیدم این زمان ساجد خود مهر و ماه آسمان
(همان: ۲۳)

در قرآن هم در آیه ۴ سوره یوسف، خواب معروف یوسف را بیان می‌فرماید: «إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ؛ اکنون متذکر شو (خواب) یوسف را که گفت ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده می‌کردند».
(یوسف / ۴)

همچنین متن روایی فاخری هم با آیه اشاره شده مطابقت دارد. (ر.ک فاخری، ۱۳۶۴: ۲۲)

۲-۳- نهی پدر از بازگو کردن خواب: پدر به او می‌گوید که خوابت را برای برادران بازگو نکن:

با برادرها مگو این خواب باز ای پسر با کس مکن افشای راز
(فاخری، ۱۳۶۴: ۲۴)

در آیه ۵ همان سوره ذکر می‌کند: «قَالَ يَبْنِي لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا...؛ یعقوب گفت ای فرزند عزیز زنهار خواب خود را به برادران حکایت مکن که بر تو مکر و حسد خواهند برد». (یوسف / ۵)

۲-۴- فاش شدن خواب: خواب او فاش می شود زیرا آن را برای خاله اش تعریف می کند و برادران از آن با خبر می شوند:

خواب یوسف، خاله اش از او شنفت فاش کرد آن را و با اخوان بگفت
(فاخری، ۱۳۶۴: ۲۵)

۲-۵- حسد برادران: حسد برادران با شنیدن خواب برانگیخته می شود که فاخری آن را به آتشی سوزنده تشبیه می کند:

این حسد بد آتش سوزنده ای است این حسد بد فتنه افروزنده ای است
(همان: ۲۶)

قرآن هم می گوید: «إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنَ النَّحْلِ عِصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ پس حکایت را به امت بگو هنگامی که برادران یوسف گفتند ما با آنکه چندین برادریم پدر چندان دل بسته یوسف است که او را تنها بیش از همه ما دوست دارد و ما نیرومندتریم و پدرمان در گمراهی است.» (یوسف / ۸) که با روایت فاخری مطابقت دارد.

۲-۶- توطئه برادران: برادران تصمیم می گیرند یوسف را بکشند یا در زمین هولناکی رها کنند تا هلاک شود، اما یهودا راضی نمی شود که آن ها یوسف را بکشند، بلکه تنها به در چاه انداختن یوسف رضایت می دهد.

جز یهودا کون نشد راضی که ماه کشته گردد بلکه قائل شد به چاه
(فاخری، ۱۳۶۴: ۲۸)

در آیه ۹ قرآن می فرماید: «أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ طَرْحُوهُ أَرْضًا يَخُلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ...؛ باید یوسف را بکشید یا در دیاری دور از پدر بیفکنید...» (یوسف / ۹)

۲-۷- اجازه برادران از یعقوب برای بردن یوسف: سپس برادران پیش یعقوب می روند و اصرار می کنند که فردا یوسف را با آنها روانه کند. در سوره یوسف آیه ۱۲: «أَرْسِلْهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» برادران تقاضا می کنند او را با آنها به خارج شهر بفرستد تا غذای کافی بخورد و بازی و تفریح کند و در آیه های ۱۳ و ۱۴ یعقوب می گوید می ترسم گرگ او را بدرد و

شما از او غافل باشید. این مطالب را فاخری هم بیان کرده، امّا فاخری از خوابی می‌گوید که یعقوب برادران را به شکل گرگ دیده بود که این موضوع در قرآن نمی‌باشد. (فاخری، ۱۳۶۴: ۲۸)
 قصدشان را فهم کرد او چون به خواب دیده بود آن جمله بر شکل ذئاب
 (همان: ۲۸)

۲-۸- رضایت یعقوب و خواب خواهر یوسف: یعقوب راضی می‌شود که یوسف را با آنها بفرستد. برادران، یوسف را به صحرا می‌برند، در همین زمان خواهر یوسف خواب می‌بیند که یوسف گرفتار گرگ‌ها شده است، که این مطلب نیز در قرآن ذکر نشده است.

۲-۹- آزار و اذیت یوسف و به چاه انداختن او: فرزندان یعقوب پس از دور شدن از خانه، شروع به اذیت و آزار یوسف می‌کنند.

چون که از چشم پدر پنهان شدند حمله‌ور یک باره چون ذؤبان شدند
 (همان: ۳۵)

به توصیه یهودا یوسف را در چاه می‌اندازند و از کشتن او صرف نظر می‌کنند.

جز یهودا کو نشد راضی که ماه کشته گردد بلکه قائل شد به چاه
 (همان: ۲۸)

شامگاه برادران با چشم گریان به پدرشان یعقوب می‌گویند یوسف را گرگ خورده است.
 شامگه از دشت اخوان آمدند سوی آب با چشم گریان آمدند
 (همان: ۴۰)

تا ز بازی بازگردیدیم ما خورده بودش گرگ بی شرم و حیا
 (همان: ۴۱)

در آیه ۷ سوره یوسف «قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّبُّ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ؛ برادران می‌گویند ما مشغول مسابقه شدیم و گرگ یوسف را خورد...». امّا فاخری می‌گوید مشغول تیراندازی شدند (همان: ۴۰)

۲-۱۰- جواب یعقوب به برادران: یعقوب می‌گوید نفستان شما را فریب داد، خود شما

گرگ هستید:

خود شما گرگید ای بیچارگان خود شما هستید از خونخوارگان
(همان: ۴۲)

برادران گرگی را می‌آورند که این گرگ، یوسف را خورده است. گرگ به زبان می‌آید و می‌گوید گوشت انبیاء بر ما حرام است.

گفت ای پیغمبر ذی احترام شد لحوم انبیا بر ما حرام
(همان: ۴۵)

که این مطلب در قرآن ذکر نشده است.

۲-۱۱- نجات از چاه و استقرار در خانه عزیز مصر: یوسف را مالک بن زعر از چاه بیرون می‌آورد برادران با خبر می‌شوند و می‌گویند این غلام ماست و یوسف را به مالک بن زعر به بهایی اندک می‌فروشند و بیع نامه‌ای می‌نویسند. طبق آیه ۱۹ سوره یوسف: «وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَا بُشْرَى هَذَا غُلَامٌ وَأَسْرُوهُ بِضَاعَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ؛ کاروانی می‌آید که یوسف را نجات مدهد...»، که مطالب فاخری با آن مطابقت دارد. (همان: ۴۹) یوسف با کاروانیان به راه می‌افتد. عاقبت به مصر می‌رسند. مالک به عزیز می‌گوید، باید هم وزن یوسف، سیم و زر و دیبا بدهید. عزیز هر چه دارد می‌دهد، یوسف از آن عزیز مصر می‌شود.

امر شد پس ماه در میزان کنند در برابر اشرفی ریزان کنند
تا که خالی شد ز زر گنج شهی همچو دست فاخری گشت آن تهی
(فاخری، ۱۳۶۴: ۱۱۴)

در آیه ۲۱ سوره یوسف می‌گوید، «وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا...؛ عزیز به همسرش گفت او را گرامی دار، شاید برای ما مفید باشد...» که مطالب فاخری با آن مطابقت دارد. (همان: ۱۳۲)

۲-۱۲- توطئه زلیخا: زلیخا خانه‌ای بی نظیر می‌سازد و یوسف را به آنجا می‌کشاند، یوسف از آنجا پا به فرار می‌گذارد، اما زلیخا پیراهن یوسف را از پشت می‌گیرد پیراهن پاره می‌شود. عزیز سر می‌رسد. شاهدهی که طفل است به سخن گفتن در می‌آید و حق را به یوسف می‌دهد. زلیخا زنان مصر را به مهمانی فرا می‌خواند. چهل تن از زنان مصری دست خود را با ورود یوسف

می‌برند. زلیخا پیش زنان مصری اقرار به مراوده با یوسف می‌کند و تهدید می‌کند اگر یوسف مقاومت کند زندانی خواهد شد. زنان مصری حاضر در مهمانی، یوسف را به اطاعت از زلیخا فرمان می‌دهند.

چون زلیخا کرد تهدید نگار آن زنان با او در آن گشتند یار

(فاخری، ۱۳۶۴: ۱۶۳)

گر که فرمانش پذیرفتی که خوب ورنه کارت می‌کشد با حبس و چوب

(همان: ۱۶۴)

در آیه ۲۳ از زنی یاد می‌کند که از یوسف تمنای کامجویی کرد و درها را بست ولی یوسف گفت به خدا پناه می‌برم، فاخری نام آن زن را زلیخا می‌گوید، اما در قرآن نامی از زلیخا برده نمی‌شود. غیر از تفاوت‌های ذکر شده، مطالب فاخری، در این قسمت با آیات ۲۳ تا ۲۹ مطابقت دارد. (ر.ک. فاخری، ۱۳۶۴: ۱۴۵-۱۵۳)

۲-۱۳- زندانی شدن یوسف: یوسف در جواب می‌گوید زندانی شدن بهتر از تقاضایی است

که زلیخا و زنان مصر از او دارند. بالاخره یوسف زندانی می‌شود. یوسف در زندان با ساقی و مطبخی شاه آشنا می‌شود و خواب آن دو را تعبیر می‌کند سه روز بعد ساقی شاه آزاد می‌شود و یوسف به او می‌گوید مرا نزد شاه از یاد مبر پیک وحی به سوی یوسف می‌آید و می‌گوید چرا خدا را از یاد بردی و از بنده خدا تقاضا کردی؟ برای این فراموشی و تقاضا از بنده به جای خدا، باید مدتی دیگر در زندان باشی (سه تا نه سال):

با خدای خویش چون گشتی دو رنگ چند سال اینجا بفرما پس درنگ

پس به زندان ماند او بضع سنین وان ز سه تا نه بُود ای محسنین

(فاخری، ۱۳۶۴: ۱۸۵)

در آیات (۳۳-۳۴) ماجرای زندانی شدن یوسف است که او خطاب به خداوند می‌گوید خدایا زندان را انتخاب کردم. در اینجا فاخری می‌گوید اشتباه همین بود که باید کار خود را به دست خدا می‌گذاشت و خودش راضی به زندان نمی‌شد.

۲-۱۴- ماجراهای زندان: در آیات (۳۷-۳۵) به قطعی شدن حکم زندانی یوسف و تعبیر خواب دو جوان به وسیله یوسف اشاره شده است و در آیات (۴۲-۳۹) یوسف آنان را به خدای واحد می خواند و آنگاه به آن زندانی نجات یافته، می گوید مرا نزد سلطان یادآوری کن. فاخری در این قسمت به از یاد بردن خدا توسط یوسف اشاره دارد. (فاخری، ۱۳۶۴: ۱۸۴) و به روایتی که در تفسیر مجمع البیان آمده اشاره می کند که جبرئیل نازل شد و گفت تو حاجت خود را نزد مخلوق بردی و به همین جهت باید چند سال در زندان بمانی (ر.ک. طبرسی، ۱۳۸۵: ۲۳۵)

۲-۱۵- دیدار با مرد عرب: یوسف در زندان است که مردی عرب از کنعان را ملاقات می کند و پیام سلامتی خود را به پدرش یعقوب می فرستد یعقوب از این خبر بسیار شاد می شود. که این مطلب در قرآن نمی باشد.

۲-۱۶- خواب شاه، اثبات بی گناهی و آزادی یوسف: شاه مصر خواب می بیند و معبران از تعبیر خواب باز می مانند ساقی شاه، یوسف را به یاد می آورد. شاه دستور آزادی او را می دهد، اما یوسف پس از تعبیر خواب شاه، حاضر به خروج از زندان نمی شود تا این که بی گناهی خود را ثابت کند. شاه، زنان مصر را حاضر می کند. زلیخا در آن مجلس به پاکی یوسف و گناه خود اقرار می کند بی گناهی یوسف به اثبات می رسد و با تجلیل فراوان از زندان آزاد می شود و به توصیه او و موافقت شاه بقیه زندانیان هم آزاد می شوند.

داد شه فرمان که از زندان کنون نژدم آرید آن حکیم ذو فنون

(فاخری، ۱۳۶۴: ۱۹۹)

امر شد تا محض یار پُر بها هر چه زندانی بُود گردد رها

(همان: ۲۰۰)

در آیات ۴۳-۴۹ خواب شاه را و جواب معبران و یوسف را بیان می کند در آیات (۵۲-۵۰) هم شاه به دنبال یوسف می فرستد، اما او ابتدا می خواهد که بی گناهیش ثابت شود و همین می شود. این آیات هم با آنچه فاخری می گوید، مطابقت دارد، اما فاخری می گوید به توصیه یوسف و موافقت شاه همه زندانیان آزاد می شوند که این مطلب در قرآن نمی باشد.

۲-۱۷- مرگ عزیز مصر و وزارت یوسف: عزیز مصر می‌میرد و یوسف به وزارت می‌رسد و زلیخا زندگی مخفی پیدا می‌کند. زلیخا بر سر راه یوسف خانه‌ای می‌سازد تا گاه‌گاهی که او عبور می‌کند او را صدا بزند.

بر سر راه نگارش خانه ساخت خانه‌ای در راه آن جانانه ساخت

(فاخری، ۱۳۶۴: ۲۰۸)

چون گذر یوسف از آنجا می‌نمود او همی یوسف منادی می‌نمود

(همان: ۲۰۹)

فاخری از مرگ عزیز می‌گوید که در قرآن ذکری از آن نیست.

۲-۱۸- روزگار قحطی: در آیات ۵۴ تا ۵۷ اشاره دارد که یوسف، پیش شاه مقام بالایی

پیدا می‌کند و با درخواست خودش سرپرست خزائن مصر می‌شود. یعقوب پسرانش را ترغیب به رفتن به مصر و گرفتن کمک از عزیز مصر می‌کند.

گفتشان یعقوب کای اولاد من او کریم و صاحب جود است و من

(همان: ۲۱۵)

حالی خیزید و سوی شه روید ای جوانان فی امان الله روید

(همان: ۲۱۸)

۲-۱۹- آمدن برادران به مصر: یوسف، برادران را در مصر اکرام می‌کند، برادران به اشتباه

خود اقرار می‌کنند و یوسف آنها را می‌بخشد.

عفو کردم‌تان، گناهی بود اگر می‌بیامرزد شما را حق دگر

(همان: ۲۵۲)

در آیات (۵۸-۶۶) سوره یوسف، ورود برادران بر یوسف را بیان می‌کند. برادران ماجرا را به یعقوب می‌گویند، که باید بنیامین را با خود به مصر ببرند. در آیه ۶۷ یعقوب می‌گوید هنگام ورود به مصر از درهای مختلف وارد شوید و در آیات ۶۹ تا ۷۹ رسیدن یوسف و بنیامین به هم و نگهداشتن بنیامین به وسیله یوسف را بیان می‌کند. در آیات ۸۰ تا ۸۶ بازگشت بقیه برادران غیر از بنیامین به کنعان و عدم بازگشت برادر بزرگ‌تر به کنعان (از شرمندگی) و گزارش برادران به

یعقوب از غیبت بنیامین و ناراحتی یعقوب را بیان می‌کند. در آیه ۸۷ دستور یعقوب برای جستجوی یوسف و برادرش و رفتن به مصر و ناامید نشدن از رحمت خدا و رفتن برادران پیش یوسف و در آیات ۹۰-۹۲ آشکار شدن چهره یوسف و سوال برادران که آیا تو یوسفی؟ و جواب مثبت او و اقرار خطاکاری برادران و بخشش یوسف را بیان می‌کند.

۲-۲۰- پیراهن یوسف و شفای یعقوب: یوسف پیراهن خود را به برادران می‌دهد تا برای پدر ببرند و بر روی او بیندازند تا او به اذن خدا بینا شود و از آنها می‌خواهد همگی نزد من آید:

هان برید از من به کنعان پیرهن
سوی آن بابای پیر ممتحن
افکنید آن را به روی آن پدر
تا که او گردد ز نور روشن بصیر
(فاخری، ۱۳۶۴: ۲۵۲)

پس همه آید اینجا پیش من
نزد من آرید قوم و خویش من
(همان: ۲۵۲)

آنها به یعقوب می‌گویند از خدا برای ما آمرزش بخواه که خطاکار بودیم و یعقوب وعده می‌دهد چنین کند. به قول فاخری شاید منظور از این تأخیر، نصف شب و هنگام نماز شب بود:

گفت خواهم کرد این، زودی طلب
مغفرت بهر شما از نزد رب
وقت زاری و دعا، نصف شب است
آن زمان هنگام یارب یارب است
(همان: ۲۵۶)

و در آیات ۹۹ تا ۱۰۱ وارد شدن پدر و مادر یوسف در مصر و به آغوش کشیدن آنها به وسیله یوسف و بر تخت نشاندن و سجده آنها را بیان می‌کند و این که یوسف گفت این تحقق خوابی است که دیده بودم.

آیات ۱۰۲ تا ۱۱۰ مطالب کلی است تنها در آیه ۱۱۱ می‌فرماید در سرگذشت پیامبران عبرت‌هایی برای صاحبان اندیشه است. در این منظومه، فاخری کاملاً به قرآن نظر داشته، اما توضیحات و تفاوت‌هایی که موجود است از تفاسیر و روایات گرفته است که به برخی اشاره می‌شود:

۲-۲۱- حرکت یعقوب به مصر: فاخری می گوید، روایت شده که تعداد خاندان یعقوب در آن سفر ۷۲ نفر بوده است:

گفته‌اند اولاد او در این سفر بوده هفتادی و دو افزون نفر
(فاخری، ۱۳۶۴: ۲۵۷)

بعضی مفسرین گفته‌اند که یوسف به موقع از مرکب فرود نیامد، اما فاخری این مطلب را تأیید یا تکذیب نمی‌کند:

گفته‌اند آن یوسف نیکو خصال نامد از مرکب فرو گاه وصال
(همان: ۲۵۹)

یوسف رو به مردم کرده و می‌گوید: تاکنون بنده من بودید، اما به خاطر پدرم همگی شما را آزاد کردم.

رو به مردم کرد یوسف آن زمان با کمال لطف و گفت ای مردمان
(همان: ۲۵۹)

اینک اینک محض دیدار پدر ساختم آزادتان من سر به سر
(همان: ۲۶۰)

۲-۲۲- زلیخا بر سر راه یوسف: زلیخا سر راه یوسف آمد و او را صدا زد، جبرئیل نازل شد و لگام اسبش را گرفت:

هان به زیر آی، ای دو رخ افروخته ده جواب عاشق دلسوخته
(همان: ۲۶۱)

جبرئیل گفت، خداوند می‌گوید حاجات زلیخا را برآورده کن. زیرا او عاشق تو هست که دوستدار ما هستی، پس جبرئیل بال خود را بر زلیخا می‌زند و او جوان می‌شود و چشمان او هم بینا می‌شود.

چون که او عاشق به تو زیبا بود دوستدار دوستدار ما بود
(همان: ۲۶۲)

بر زلیخا پس بزد جبریل بال پس بشد او نوجوان آن پیرزال
(همان: ۲۶۳)

۲-۲۳- ازدواج یوسف و زلیخا: پس از جوان شدن و خداپرست شدن زلیخا، یوسف هم به او علاقه نشان می‌دهد:

چون زلیخا شد جوان و حق پرست برد یوسف را دگر او دل ز دست
(همان: ۲۶۳)

یوسف به زلیخا و زلیخا به خداوند عاشق می‌شود، عقد آنها را یعقوب جاری می‌کند. زلیخا می‌گوید من حق را به عنوان معشوق خود برگزیده‌ام. آن دو مدت ۳۷ سال با هم زندگی می‌کنند و یوسف دارای یازده فرزند پسر از زلیخا می‌شود.

نیمه شب یوسف بیامد در بزد طارق آمد بر درِ دلبر بزد
(همان: ۲۹۴)

گفت رو رو من دگرگون گشته‌ام بی خبر هستی که من چون گشته‌ام
(همان: ۲۶۵)

۲-۲۴- پایان داستان: پس از ورود یعقوب و همراهان به مصر، یوسف، پدر و خاله‌اش را به تخت می‌نشانند یعقوب و خاله و برادران، در برابر یوسف برای تشکر از خداوند سجده (شکر) به جا می‌آورند. یعقوب مدت ۴۰ سال دیگر با یوسف زندگی می‌کند. اما فخری قصه مرگ آنها را روایت نمی‌کند.

✓ جمع بندی برخی موضوعاتی که در دو روایت قرآن و فخری مشترک است:

۱: خواب یوسف (ماه و خورشید و یازده ستاره) / ۲: نهی یعقوب از افشای خواب / ۳: حسادت برادران / ۴: توطئه برادران / ۵: تقاضای برادران برای بردن یوسف به صحرا / ۶: ترس یعقوب از فرستادن یوسف با برادران و اصرار دوباره آنها / ۷: وحی و بشارت در چاه به یوسف / ۸: آوردن پیراهن خونین یوسف برای پدر / ۹: آمدن کاروان و نجات یوسف از چاه / ۱۰: فروش یوسف به کاروانیان / ۱۱: خریده شدن یوسف در مصر / ۱۲: دادن مقام علم و حکمت به یوسف از طرف خداوند / ۱۳: تقاضای نامشروع از یوسف توسط آن زن که یوسف در خانه‌اش بود و فرار یوسف از دست او که قرآن بدون ذکر نام آن زن و فخری با ذکر نام زلیخا برای آن زن کرده است / ۱۴:

پاره شدن پیراهن یوسف و شهادت شاهد بر بی گناهی او / ۱۵: برپا کردن مجلسی از زنان توسط زن عزیز و ماجرای بریدن دستان / ۱۶: زندانی شدن یوسف / ۱۷: طولانی تر شدن مدت زندان یوسف / ۱۸: تعبیر خواب دو زندانی و خواب شاه توسط یوسف / ۱۹: دستور آزادی یوسف و امتناع او از پذیرفتن و شرط گذاشتن مبنی بر اثبات بی گناهی اش / ۲۰: محاکمه زلیخا و زنان و اثبات بی گناهی یوسف / ۲۱: رسیدن یوسف به مقام عالی مصر / ۲۲: رفتن برادران به مصر بدون بنیامین در اولین بار / ۲۳: تقاضای یوسف برای آوردن برادر دیگر و نگه داشتن او در مصر / ۲۴: آشکار شدن هویت یوسف برای برادران / ۲۵: تقاضای یوسف از پدر و خاندانش برای آمدن به مصر / ۲۶: احساس بوی یوسف از مصر به وسیله یعقوب / ۲۷: بیناشدن یعقوب به وسیله پیراهن یوسف به اذن خداوند / ۲۸: تعبیر شدن خواب یوسف (مبنی بر سجده ماه و خورشید و ۱۱ ستاره) تذکر: نام زلیخا و برادران در قرآن ذکر نشده، اما در داستان فاخری ذکر شده و او در ذکر این اسامی به روایت تورات و تفاسیر قرآن در این زمینه نظر داشته است. در قسمت بعد به مقایسه منظومه فاخری با تورات می پردازیم.

۳- مقایسه یوسف و زلیخای فاخری فسایی با روایت تورات:

۳-۱- شروع داستان: در روایات تورات داستان از زندگی یعقوب^(ع) و تولد یوسف^(ع) شروع می شود و به طور کامل ذکر شده است (سفر تکوین کتاب مقدس، فصل ۳۰، آیه ۲۴، ص ۵۶) اما در روایت فاخری ماجرا از محبت مفرط یعقوب به یوسف و ذکر خواب یوسف شروع می گردد. در تورات علت علاقه یعقوب به یوسف این است که فرزند دوره پیری اوست، اما در قرآن علت این علاقه، خواب شگفت و احساس یعقوب در رسیدن یوسف به مقامات معنوی و دانش های شگفت است. (ر.ک، بیومی مهران، ۱۳۸۳: ۱۰۹)

۳-۲- خواب یوسف: در ماجرای خواب دیدن یوسف که ماه و مهر و یازده ستاره برایش سجده می کنند، تنها همین خواب در منظومه فاخری ذکر گردیده و در قرآن، آیه ۴ سوره یوسف هم این گونه است. اما در تورات، خواب دیگری هم (از قول یوسف) ذکر شده: «ما در مزرعه،

بافه‌ها می‌بستیم که ناگاه بافه من برپا شده و بافه‌های شما گرد هم آمده، به بافه من سجده کردند». (سفر تکوین، کتاب مقدس، فصل ۳۷، آیه ۹-۶: ۷۱) منظور از بافه‌ها دسته‌های گیاه یا گندم است.

۳-۳- نهمی از نقل خواب: در ماجرای نهمی از نقل خواب برای برادران، در تورات، چنین مطلبی ذکر نگردیده، اما قرآن، در آیه ۵ سوره یوسف به آن اشاره می‌کند و در نظم فاخری هم آمده است.

۳-۴- رفتن یوسف با برادران: در ماجرای رفتن یوسف با برادران، در قرآن و نظم فاخری تقاضای برادران و نقشه از پیش طراحی شده وجود دارد (آیه ۸ تا ۱۴ یوسف)، اما در تورات روایت دیگری است که یعقوب، یوسف را می‌فرستد و می‌گوید برادرانت مشغول چوپانی هستند، تو هم نزد آنها برو و از سلامتی آنها و گله، برایم خبر بیاور. برادران پس از آنکه یوسف را از دور می‌بینند، نقشه قتل او را می‌کشند. (همان، فصل ۳۷، آیه ۲۱-۲۰: ۷۲)

۳-۵- به چاه انداختن یوسف: قرآن در آیه ۱۹ یوسف می‌گوید که کاروانیان برای برداشتن آب، سرچاه آمدند. اما در تورات آمده، چاهی که یوسف را در آن انداختند، خالی و بی‌آب بود. (همان، آیه ۲۵: ۷۳-۷۲)

۳-۶- دریده شدن یوسف توسط گرگ: در قرآن (آیه ۱۸ یوسف) و نظم فاخری، یعقوب این ماجرا را باور نمی‌کند. اما در روایت تورات، یعقوب ماجرا را باور می‌کند و می‌گوید یقیناً یوسف را گرگ خورده است. (همان، آیه ۳۴: ۷۳)

۳-۷- صبر یعقوب: در آیه ۱۸ سوره یوسف، یعقوب می‌گوید من صبر پیشه می‌کنم، اما در روایت تورات، یعقوب لباس خود را پاره می‌کند. (همان، آیه ۳۵: ۷۳) و در روایت فاخری می‌گوید:

من کنم صبیری جمیل و بس قشنگ تا که صبر آید ز صبر من به تنگ

(فاخری، ۱۳۶۴: ۴۳)

۳-۸- توطئه زلیخا: ماجرای پاره شدن پیراهن یوسف در قرآن ذکر شده (آیه ۱۹ یوسف) و فاخری هم از آن سخن می‌گوید، اما در تورات از پاره شدن پیراهن، مطلبی گفته نشده بلکه می‌گوید جامه‌اش را در دست او گذاشت و فرار کرد. (همان: فصل ۳۹، آیه: ۷۶) ماجرای مجلس زلیخا و

زنان مصر و بازپرسی شاه و اقرار زلیخا به بی‌گناهی یوسف در قرآن در آیات ۵۰ تا ۵۲ سوره یوسف آمده است، اما در تورات ذکری نشده و فاخری هم از روایت قرآن پیروی نموده است.

۳-۹- بی‌گناهی یوسف: در ماجرای فرار یوسف از دست زلیخا و برخورد آن دو با عزیز، تورات در (سفر تکوین، فصل ۳۹، آیه ۲۰: ۷۷) می‌گوید، عزیز خشمگین می‌شود و یوسف را در زندان می‌افکند، چون گمان می‌کند که حرف‌های زلیخا درست است و یوسف گناهکار است، اما قول قرآن در آیه ۲۶ تا ۲۸ سوره یوسف چنین نیست و بی‌گناهی یوسف همانجا با شهادت شاهدی از اهل زلیخا ثابت می‌شود و فاخری هم از روایت قرآن پیروی کرده است.

۳-۱۰- توصیه عزیز: در روایت قرآن در آیه ۲۹ یوسف، عزیز از زلیخا می‌خواهد که توبه کند و از یوسف می‌خواهد که از این ماجرا سخنی نگوید و بر آن سرپوش گذارد و فاخری از این روایت پیروی کرده، اما در تورات از این مطلب سخنی به میان نیامده است.

۳-۱۱- رفتار یوسف با برادران بعد از ورود به مصر: طبق روایت تورات در سفر تکوین (فصل ۴۲، آیات ۸ تا ۲۱: ۸۳) وقتی برادران یوسف برای خرید غله به مصر می‌آیند، یوسف با درشتی به آن‌ها می‌گوید شما جاسوس هستید و به جهت دیدن خشکی سرزمین ما آمده‌اید. یکی از شما باید در زندان باشد تا بقیه با برادر دیگر برگردند، اما در منظومه فاخری و قرآن جریان داستان چنین نیست.

✓ جمع بندی: تفاوت‌ها و شباهت‌های منظومه فاخری با قرآن و تورات (مقایسه سه گانه):

- ۱- ذکر خواب اول یوسف (بافتن بافه‌ها): در قرآن و روایت فاخری وجود ندارد، اما در تورات ذکر شده است. بدین صورت که تورات گفته، یوسف خواب دید با برادرها در میان کشتزار مشغول بستن دسته‌های گیاه یا علف بود که ناگهان دسته‌های بافته شده برادران یوسف، در اطراف می‌ایستند و در برابر بافته‌های یوسف خم می‌شوند. (ر.ک. فصل ۳۷، آیه ۷: ۷۱)
- ۲- ذکر خواب دوم یوسف: سجده خورشید، ماه و ۱۱ ستاره در هر سه روایت، قرآن، تورات و فاخری ذکر شده است.

- ۳- سرزنش یعقوب به یوسف در مورد خواب دوم (سجده خورشید و ماه و یازده ستاره): در روایت‌های قرآن و فاخری ذکر نشده، اما در تورات ذکر شده که یعقوب برای دیدن این خواب، یوسف را سرزنش می‌کند.
- ۴- توصیه فاش نکردن خواب از طرف یعقوب به یوسف: در روایت‌های قرآن و فاخری وجود دارد، اما در تورات وجود ندارد.
- ۵- رفتن یوسف به صحرا با درخواست یعقوب: در تورات وجود دارد، اما در روایت‌های قرآن و فاخری وجود ندارد.
- ۶- رفتن یوسف به صحرا با اصرار برادران و اجازه یعقوب: در روایت‌های قرآن و فاخری وجود دارد، اما در روایت تورات وجود ندارد.
- توضیح شماره‌های ۵ و ۶: در روایت‌های قرآن و فاخری رفتن یوسف به صحرا با اصرار برادران، اما در تورات به درخواست یعقوب است.
- ۷- توطئه قبلی برای کشتن یا دور کردن یوسف از پدر، قبل از بردن او به صحرا: در روایت تورات وجود ندارد، اما در روایت‌های قرآن و فاخری، برادران قبلاً نقشه این کار را کشیده‌اند.
- ۸- به چاه انداختن یوسف به جای کشتن او: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۹- فروختن یوسف به بهای اندک: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۱۰- باور مرگ یوسف از طرف یعقوب: فقط در تورات وجود دارد یعنی یعقوب مرگ یوسف را باور می‌کند اما در دو روایت دیگر وجود ندارد، یعنی یعقوب مرگ یوسف را باور نمی‌کند.
- ۱۱- زیارت قبر مادر از طرف یوسف در هنگام حرکت از کنعان: در روایت فاخری وجود دارد و در دو روایت دیگر موجود نیست.
- ۱۲- عزت یوسف در خانه صاحبش (عزیز): در هر سه روایت وجود دارد.
- ۱۳- تقاضای نامشروع زلیخا و رد شدن توسط یوسف: در هر سه روایت مشترک است.

- ۱۴- پاره شدن پیراهن یوسف از پشت سر: در روایت‌های قرآن و فاخری وجود دارد و در روایت تورات نیست. در روایت تورات، یوسف پیراهنش را که توسط زلیخا کشیده شده به هنگام فرار به جا می‌گذارد.
- ۱۵- شهادت شاهدهی بر بی‌گناهی یوسف در روایت‌های قرآن و فاخری وجود دارد و اساساً در تورات موجود نیست.
- ۱۶- باور بی‌گناهی یوسف از طرف عزیز: در روایت‌های قرآن و فاخری وجود دارد و در تورات موجود نیست.
- توضیح ۱۵ و ۱۶: تورات بی‌گناهی یوسف را مطرح یا ثابت نمی‌کند و شاهدهی بر آن نمی‌آورد و عزیز هم آن را باور ندارد.
- ۱۷- زندانی شدن یوسف: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۱۸- احترام و بزرگی یوسف در زندان: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۱۹- تعبیر خواب دو زندانی توسط یوسف: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۲۰- دیدن دو خواب توسط فرعون و تعبیر آن‌ها توسط یوسف: در سه روایت وجود دارد.
- ۲۱- تقاضای یوسف از فرعون برای سرپرستی و خزائن مصر: در روایت قرآن و فاخری وجود دارد و در روایت تورات وجود ندارد.
- ۲۲- ازدواج یوسف با دختر کاهن مصر: فقط در روایت تورات وجود دارد.
- ۲۳- ورود برادران به مصر و تقاضای غله: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۲۴- احترام یوسف به برادران پس از ورود به مصر: در روایت‌های قرآن و فاخری وجود دارد.
- ۲۵- همراه نبودن یکی از برادران در سفر اول: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۲۶- برگرداندن پول (متاع برادران) به آن‌ها: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۲۷- گرو نگهداشتن یکی از برادران (شمعون) به وسیله یوسف، تا برادر کوچک را بیاورند: فقط در تورات وجود دارد.

- ۲۸- زندانی شدن برادران به مدّت سه روز توسط یوسف به تهمت جاسوسی در مصر پس از ورود به مصر: فقط در روایت تورات وجود دارد.
- ۲۹- دعوت یوسف از یعقوب برای ورود به مصر به همراه خاندانش: در هر سه روایت وجود دارد، اما در روایت تورات به دعوت فرعون است و تمهیدات آن را یوسف فراهم می‌کند.
- ۳۰- بینا شدن یعقوب با پیراهن یوسف: در روایت تورات وجود ندارد، فقط در روایت‌های فاخری و قرآن وجود دارد.
- ۳۱- آمدن یعقوب و خاندانش به مصر: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۳۲- گرامیداشت یعقوب و خاندانش در مصر: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۳۳- جوان و زیبا شدن زلیخا: فقط در روایت فاخری وجود دارد.
- ۳۴- ازدواج یوسف و زلیخا: فقط در روایت فاخری وجود دارد.
- ۳۵- تعداد ۱۱ فرزند پسر از یوسف و زلیخا: فقط در روایت فاخری وجود دارد.
- ۳۶- حدود ۷۰ نفر تعداد خاندان یعقوب هنگام ورود به مصر: فقط در روایت‌های تورات و فاخری وجود دارد، اما فاخری تعداد آن‌ها را ۷۲ تن ذکر کرده است.
- ۳۷- سجده پدر و مادر و برادران مقابل یوسف: در روایت‌های قرآن و فاخری وجود دارد، اما در روایت فاخری به جای مادر (خاله) ذکر شده است.
- ۳۸- به تخت نشستن پدر و مادر (خاله) یوسف: در روایت تورات وجود ندارد، در دو روایت دیگر (قرآن و فاخری) وجود دارد و در روایت فاخری به جای مادر، از خاله یوسف نام برده است.
- ۳۹- بخشیده شدن برادران توسط یوسف: در هر سه روایت وجود دارد.
- ۴۰- در آغوش کشیدن یعقوب توسط یوسف هنگام دیدار آنها: در هر سه روایت وجود دارد.

جدول (۱) تفاوت‌ها و شباهت‌های یوسف و زلیخای فاخری فسایی با روایت قرآن و تورات از این داستان در جداول ۱ تا ۳ علامت (+) به معنی وجود دارد و علامت (-) به معنی وجود ندارد فرض شده است

موضوع	الف- روایت قرآن	ب- روایت تورات	ج- روایت فاخری
داستان یوسف و زلیخا			
۱- ذکر خواب اول یوسف (بافتن بافه‌ها):	-	+	-
۲- ذکر خواب دوم یوسف: سجده خورشید، ماه و ۱۱ ستاره	+	+	+
۳- سرزنش یعقوب به یوسف در مورد خواب دوم:	-	+	-
۴- توصیه فاش نکردن خواب از طرف یعقوب به یوسف:	+	-	+
۵- رفتن یوسف به صحرا با درخواست یعقوب:	-	+	-
۶- رفتن یوسف به صحرا با اصرار برادران و اجازه یعقوب:	+	-	+
۷- توطئه قبلی برای کشتن یا دور کردن یوسف از پدر قبل از بردن او به صحرا:	+	-	+
۸- به چاه انداختن یوسف به جای کشتن او:	+	+	+
۹- فروختن یوسف به بهای اندک:	+	+	+
۱۰- باور مرگ یوسف از طرف یعقوب:	-	+	-
۱۱- زیارت قبر مادر در حین حرکت از کنعان از طرف یوسف:	+	-	-
۱۲- عزت یوسف در خانه صاحبش (عزیز):	+	+	+
۱۳- تقاضای نامشروع زلیخا و رد شدن توسط یوسف:	+	+	+
۱۴- پاره شدن پیراهن یوسف از پشت سر:	+	-	+
۱۵- شهادت شاهد بر بی گناهی یوسف:	+	-	+
۱۶- باور بی گناهی یوسف از طرف عزیز:	+	-	+
۱۷- زندانی شدن یوسف:	+	+	+
۱۸- احترام و بزرگی یوسف در زندان:	+	+	+
۱۹- تعبیر خواب دو زندانی توسط یوسف:	+	+	+
۲۰- دیدن دو خواب توسط فرعون و تعبیر آنها توسط یوسف:	+	+	+
۲۱- تقاضای یوسف از فرعون برای سرپرستی خزاین:	+	-	+
۲۲- ازدواج یوسف با دختر کاهن مصر:	-	+	-
۲۳- ورود برادران به مصر و تقاضای غله:	+	+	+
۲۴- احترام یوسف به برادران پس از ورود به مصر:	+	-	+
۲۵- همراه نبودن یکی از برادران در سفر اول:	+	+	+
۲۶- برگرداندن پول (متاع) برادران به آنها:	+	+	+
۲۷- گرفتن یکی از برادران (شمعون) به گرو تا برادر کوچک را بیاورند:	-	+	-
۲۸- زندانی شدن برادران به مدت ۳ روز توسط یوسف به تهمت جاسوسی در مصر پس از ورود:	-	+	-
۲۹- دعوت یوسف از یعقوب برای ورود به مصر به همراه خاندانش:	+	+	+
۳۰- بینا شدن یعقوب با پیراهن یوسف:	+	-	+
۳۱- آمدن یعقوب و خاندانش به مصر:	+	+	+
۳۲- گرامیداشت یعقوب و خاندانش در مصر:	+	+	+
۳۳- جوان و زیبا شدن زلیخا:	+	-	-

+	-	-	۳۴- ازدواج یوسف و زلیخا:
+	-	-	۳۵- تعداد ۱۱ فرزند پسر از یوسف و زلیخا:
+	+	-	۳۶- حدود ۷۰ نفر تعداد خاندان یعقوب هنگام ورود به مصر:
+	-	+	۳۷- سجده پدر و مادر و برادران مقابل یوسف:
+	-	+	۳۸- به تخت نشستن پدر و مادر (خاله) یوسف:
+	+	+	۳۹- بخشیده شدن برادران توسط یوسف:
+	+	+	۴۰- در آغوش کشیدن یعقوب توسط یوسف هنگام دیدار:

جدول (۲): درصد شباهت های قرآن و تورات و منظومه فخری (مطروحه در جدول ۱)

موضوع	میزان تشابه	موارد تشابه	موارد بررسی شده	درصد تشابه
۱- قرآن با منظومه فخری:	۲۸	۴۰	۷۰ درصد	
۲- تورات با منظومه فخری:	۱۸	۴۰	۴۵ درصد	
۳- قرآن و تورات:	۱۷	۴۰	۴۲/۵ درصد	
۴- قرآن و تورات و منظومه فخری:	۱۷	۴۰	۴۲/۵ درصد	

جدول (۳): درصد تفاوت های قرآن و تورات و منظومه فخری (مطروحه در جدول ۱)

موضوع:	میزان تفاوت	موارد تفاوت	موارد بررسی شده	درصد تفاوت
۱- قرآن با منظومه فخری:	۵	۴۰	۱۲/۵ درصد	
۲- تورات با منظومه فخری:	۲۲	۴۰	۵۵ درصد	
۳- قرآن و تورات:	۱۸	۴۰	۴۵ درصد	

نتیجه‌گیری

- ۱- منظومه فاخری هم از جهت این که آخرین منظومه یوسف و زلیخای قرن ۱۴ هجری شمسی است و هم به علت ارزش ادبی و تفسیری آن دارای اهمیت است.
- ۲- داستان یوسف و زلیخای فاخری فسایی در شالوده و اساس، از داستان قرآن تأثیر پذیرفته و با آن مطابقت دارد.
- ۳- علاوه بر مطالب اساسی که در ۱۱۱ آیه از سوره یوسف آمده است، داستان فاخری مطالبی را اضافه‌تر دارد که برگرفته از تورات یا تفاسیر قرآن است که در طی مدتی طولانی توسط مفسران شیعه و سنی در این باره نوشته شده است.
- ۴- درصد تشابه محتوایی منظومه فاخری با قرآن ۷۰ درصد و با تورات ۴۵ درصد است، پس فاخری بیشتر به روایت قرآن توجه داشته تا تورات.
- ۵- درصد تفاوت‌های محتوایی منظومه فاخری با قرآن، اندک بوده و تنها ۱۲/۵ درصد است، این تفاوت‌ها در جاهایی است که متن فاخری مطلبی دارد، اما قرآن در آن زمینه سکوت کرده، نه این که فاخری خلاف قرآن مطلبی گفته باشد، بلکه مطلبی را اضافه دارد که در قرآن نیست. همچنین مطالب فاخری ۵۵ درصد با تورات دارای تفاوت محتوایی است که رقم قابل توجهی است. این تفاوت‌ها گاهی در تضاد مطالب بیان شده با هم است یعنی مطلب در منظومه فاخری به شکلی دیگر است. یا این که مطلب در یکی هست و در دیگری بیان نشده است.
- ۶- در یک مقایسه سه‌گانه نیز معلوم شد، روایت فاخری و قرآن و تورات از نظر محتوایی، دارای ۴۲/۵ درصد نقاط مشترکند.
- ۷- در جداول (۱) تا (۳) طرح شده در صفحات بعد تفاوت‌ها و شباهت‌های محتوایی هر سه روایت به وضوح نشان داده شده است.

فهرست منابع و مأخذ

- ۱- قرآن کریم، (۱۳۷۵)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: خورشید، چاپ هشتم.
- ۲- کتاب مقدس، (۱۳۸۰)، ترجمه فاضل خان همدانی و دیگران، تهران: اساطیر، چاپ اول.
- ۳- بیومی مهران، محمد، (۱۳۸۳)، بررسی تاریخ قصص قرآن، ج ۲، ترجمه سید محمد راستگو، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴- تقوایی، محمدحسین، (۱۳۹۵)، آیینہ فخری، شیراز: فرنام، چاپ اول.
- ۵- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۸۱)، تفسیر مجمع البیان، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- ۶- غیاثی کرمانی، سید محمدرضا، (۱۳۷۸)، ماه کنعان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.